



Social Spaces in Rural-Origin Neighborhoods: A Case Study of Chizar, Tehran

Azadeh Mohajer Milani

Assistant Professor, Department of Environmental Design Engineering, Faculty of Environment, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 2024/05/18

Accepted: 2024/06/01

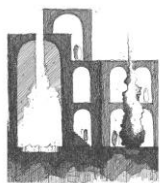
Research Paper

Abstract

This study delves deeply into the facilitation of social experiences by establishing appropriate behavioral settings within public spaces, with a particular focus on urban neighborhoods that possess a semi-traditional background. The research is designed to thoroughly investigate the criteria that influence the formation and effectiveness of social spaces, taking into account the socio-spatial disruptions that often arise during urban structure development. It aims to understand how these factors manifest in different types of spaces, thereby influencing the overall social dynamics of the community. By conducting a comprehensive review of existing literature and studies on the subject, the research identifies key components that are effective in creating social spaces. To test the validity of this model, the Chizar neighborhood is selected as a case study. Data collection methods include the use of questionnaires to gather residents' perceptions, cognitive mapping to understand the behavioral settings, and field observations to document collective behaviors within the neighborhood. The Analytic Hierarchy Process (AHP) is employed as a method of analysis to evaluate the data and assess the alignment of the proposed criteria with the actual conditions observed in the neighborhood. The results of the study reveal a significant alignment between the formulated criteria and the social dynamics observed around Emamzade Aliakbar and its surrounding areas. The findings suggest that in contemporary urban settings, particularly in semi-traditional neighborhoods, the preservation of behavioral settings and the promotion of sociability within public spaces can greatly enhance social interactions at the local level. This research ultimately proposes that by focusing on these factors, urban planners and community developers can create more cohesive and socially vibrant neighborhoods that reflect and sustain the unique cultural and social characteristics of their residents.

Keywords: social space, public space, sociability, social interactions, social space.

* Corresponding author's Email: a.milani@ut.ac.ir



خلق فضاهای جمعی در محله‌هایی با پیشینه روستایی مورد پژوهی محله چیدر تهران

آزاده مهاجر میلانی

استادیار، گروه مهندسی طراحی محیط، دانشکده محیط‌زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

چکیده

فضاهای عمومی با فراهم کردن قرارگاه‌های رفتاری مناسب، فرصت‌های کسب تجارب اجتماعی را ایجاد می‌کنند؛ با توجه به گسست‌های اجتماعی-فضایی ناشی از توسعه شهری، این پژوهش به مطالعه و بررسی معیارهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری فضاهای عمومی در مقیاس محلی، در محله‌های شهری با پیشینه روستایی می‌پردازد. تمرکز این پژوهش بر عواملی است که حیات اجتماعی، همبستگی جمعی و سرزندگی اجتماع محلی در چنین محله‌هایی را تقویت می‌کنند و به دنبال یافتن این موضوع است که این عوامل در قالب چه فضایی و با چه ویژگی‌هایی شکل می‌گیرند؛ این موضوع به‌ویژه در محله‌های شهری با پیشینه روستایی که از تحولات و توسعه شهری تأثیر پذیرفته‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا این محله‌ها با گسست‌های اجتماعی-فضایی مواجه‌اند که ممکن است تعاملات اجتماعی و همبستگی جمعی را تحت تأثیر قرار دهد. این پژوهش باهدف بررسی و مطالعه معیارهای مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای عمومی در مقیاس محلی و در محله‌های شهری با پیشینه روستایی انجام شده است. تمرکز اصلی پژوهش بر عواملی است که می‌توانند حیات اجتماعی، همبستگی جمعی و سرزندگی اجتماع محلی را در این محله‌ها تقویت کنند. به‌منظور پاسخ‌گویی به این پرسش، پس از بررسی پیشینه موضوع، مولفه‌های مؤثر، شناسایی و در قالب مدلی پیشنهادی از ویژگی‌های فضاهای جمعی تدوین شد. برای آزمون این مدل نیز، محله چیدر با پیشینه روستایی به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شد. اطلاعات موردنظر از طریق تکمیل پرسش‌نامه، ترسیم نقشه‌های شناختی از قرارگاه‌های رفتاری و مشاهده میدانی رفتارهای جمعی، گردآوری شده است. برای تحلیل و ارزیابی اطلاعات، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد، معیارهای تدوین‌شده، بیشترین تطابق را با امامزاده علی‌اکبر و فضاهای اطراف آن دارند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که فضاهای جمعی در محله‌هایی با پیشینه روستایی می‌توانند در وضعیت جدید با حفظ قرارگاه‌های رفتاری و اجتماع‌پذیری، تعاملات اجتماعی در مقیاس محلی را تأمین کنند.

کلمات کلیدی: فضای جمعی، فضای عمومی، تعاملات اجتماعی، نقشه‌های شناختی، مکان.

* نویسنده مسئول: a.milani@ut.ac.ir





مقدمه

فضای شهری، مفهومی گسترده و چندوجهی است که نقش مهمی در زندگی جمعی انسان‌ها ایفا می‌کند. این فضاها به‌عنوان بستری عمل می‌کنند که در آن داستان زندگی جمعی انسان‌ها گشوده می‌شود و فرصت شکسته شدن برخی از مرزهای اجتماعی و برخوردهای پیش‌بینی‌نشده به وجود می‌آید. این تعاملات ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده، زمینه‌ساز ایجاد ارتباطات جدید در یک محیط اجتماعی نوین می‌شود (Lynch, 1972, 109). پاسخگویی به این نیازهای اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌های کسب تجارب اجتماعی برای مردم، نیازمند وجود قرارگاه‌های رفتاری مناسب در فضای عمومی است. در محیط‌های شهری، فضاهای عمومی زمینه‌ساز به این نیاز حیاتی انسان را فراهم می‌آورند؛ با این حال، باید توجه داشت که هر فضای عمومی، لزوماً به یک فضای اجتماعی تبدیل نمی‌شود. فضاهای عمومی شهری می‌توانند، با ایجاد درک مشترک و مطلوب‌تری از محیط، به فضاهای اجتماعی تبدیل شوند و از این طریق کیفیت زندگی را بهبود بخشند (عاشوری، ۱۳۸۸). فضاهای عمومی از مهم‌ترین عناصر ساختاری شهرها هستند که کنش‌ها و ارتباطات میان شهروندان در آن‌ها رخ می‌دهد. این فضاها بستر اصلی فعالیت‌های کارکردی و مکان وقوع مراسم و آیین‌ها محسوب می‌شوند (عندلیب، ۱۳۸۹، ۱۸).

ساختار ابتدایی شکل‌گیری شهرها در ایران دور اسلامی، بر اساس تقسیم‌بندی محله‌ای بوده است. شهرها دارای محلات مجزا و مرکز محله‌هایی بودند که هسته‌های اولیه شکل‌گیری آن‌ها را تشکیل می‌دادند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵، ۸۸-۸۹). محله به‌عنوان یکی از ارکان اصلی شهرها به ساختار شهر، شکل می‌دهد و سکونت افراد را فراهم می‌کند؛ در واقع، محلات گذشته، مجموعه‌هایی سکونتی بودند که در آن‌ها عناصر مختلف شهری، به تعادل زیستی دست‌یافته بودند. در گذشته، محله نه تنها مکانی برای سکونت بود؛ بلکه به‌عنوان نهادی برای مدیریت شهری، نهادی اجتماعی-فرهنگی، نهادی اقتصادی و بخشی از استخوان‌بندی شهر نیز عمل می‌کرد (حناچی و رضایی، ۱۳۹۴، ۳۲). در تهران، این ساختار با پیوند روستاهای متعدد در پیرامون هسته تاریخی اولیه، شکل گرفته است؛ اما با توسعه شهر، ساختارهای کالبدی این محلات، دچار گسست‌های فضایی-اجتماعی شده‌اند. این تغییرات باعث بروز این پرسش شده است که چه عواملی در ایجاد و تقویت حیات اجتماعی، همبستگی جمعی و اعتلای روانی در مقیاس اجتماع محلی تأثیرگذارند؟ قرارگاه‌های رفتاری در این مقیاس با چه ویژگی‌هایی می‌توانند تأمین‌کننده رفتارهای مطلوب باشند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، از میان محلات با پیشینه روستایی تهران، محله چیدر به‌عنوان مطالعه موردی، انتخاب شده است. در این تحقیق، از روش کیفی و تکمیل پرسش‌نامه با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی بهره گرفته است. هدف این مطالعه، تحلیل ویژگی‌های فضاهای عمومی و قرارگاه‌های رفتاری در محله چیدر و درک بهتر، از عوامل مؤثر بر تقویت حیات اجتماعی و همبستگی جمعی است؛ از این طریق، پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت زندگی شهری ارائه می‌شود.

مبانی نظری پژوهش

نقش اصلی فضاهای شهری، فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسان‌ها با یکدیگر است. فضای شهری با تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط (در فضای کالبدی انسان‌ساخت) و به اجتماع (از طریق تسهیل کنش‌های متقابل انسان‌ها با یکدیگر) حیات مدنی را در کالبد شهر به جریان درمی‌آورد (حبیبی، ۱۳۷۸، ۳۱). فضاهای شهری، واسطه برقراری ارتباط با افراد جدید هستند و در حقیقت فضاهای عمومی، تعدیل‌کننده و هماهنگ‌کننده نظام ارتباطی شهری، هنگام ورود بازیگران جدید می‌شوند (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴، ۳۷). تیبالدز، عرصه عمومی را تمام یا



بخش‌هایی از بافت شهر که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، می‌داند (تیبالدز، ۱۳۸۵، ۱). از منظر وی عرصه‌های عمومی به‌عنوان مهم‌ترین بخش از ساختار شهرها، مکان‌هایی هستند که بیشترین تماس و تعامل مردم در آن روی می‌دهد. که عموم شهروندان از هر قشر، سن، نژاد و صنفی، حق ورود و حضور در آن را بدون هیچ‌گونه محدودیتی دارند و در آن رابطه تعاملی مردم با یکدیگر برقرار می‌شود (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶، ۲۳-۲۴). شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای اجتماعی تلقی شود، این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. بر همین اساس هیبرت، تنها راه حل ممکن، برای ایجاد ارتباطات عمومی را، بیش از روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، در حوزه فعالیت فضاهای همگانی می‌داند؛ بنابراین فضای عمومی، بستر مشترکی است که مردم در آن فعالیت می‌کنند و آیین‌هایی را که پیونددهنده اعضای جامعه است، در آنجا، انجام می‌دهند و صحنه‌ای است که در آن، نمایش زندگی اجتماعی، در معرض دید عموم، قرار می‌گیرد (Madanipour, 1992, 215).

ماتریس پیوندی خیابان‌ها و فضاهای عمومی اسکلت شهر را تشکیل می‌دهد که همه چیز بر آن استوار است. فضای عمومی، اشکال فضایی زیادی دارد؛ از جمله پارک‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌روها و مسیرهای پیاده‌روی که به هم متصل می‌شوند، زمین‌های بازی تفریحی، بازارها و همچنین فضای حاشیه‌ای. شبکه فضای عمومی باز نه تنها کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد؛ بلکه تحرک و عملکرد شهر را نیز بهبود می‌بخشد. طراحی و نگهداری خوب خیابان‌ها و فضاهای عمومی باز، می‌تواند به کاهش نرخ جرم و خشونت کمک کند، فضایی را برای اقتصاد رسمی و غیررسمی ایجاد نماید. فضای عمومی به‌عنوان یک خیر مشترک، عامل کلیدی برای تحقق حقوق بشر، توانمندسازی زنان و فراهم کردن فرصت‌هایی برای جوانان است (UN-Habitat, 2018). فضای عمومی به‌عنوان فرصتی برای تعامل روزمره، از جمله فعالیت‌های فرهنگی و تعاملات اجتماعی عمل می‌کند. حضور مشترک گروه‌ها و فعالیت‌های متنوع به‌عنوان یکی از اجزای سازنده مهم انسجام اجتماعی، تلقی می‌شود. اجماع نظر مشترکی، بین پژوهشگران وجود دارد که تعاملات اجتماعی را می‌توان از طریق طراحی شهری ارتقا داد، نمونه آن، طراحی محلات بر مبنای تئوری نوشهرگرایی^۱ (Kim & Kaplan, 2004). طراحی فضای عمومی برای زندگی شهری معاصر (Aelbrecht et al., 2021) و نظریه جیکوبز در مورد شهرهای پویا و تعاملات اجتماعی (Brown & Lombard, 2014). اهمیت فضای عمومی شهری در تسهیل انسجام اجتماعی از زمانی که ما همچنان درک خود را از تأثیر متقابل عوامل فیزیکی و اجتماعی در نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر انسجام اجتماعی ادامه می‌دهیم، آشکارتر شده است (Lofland, 1998; Cattell et al., 2008; Mateo-Babiano, 2012).

مؤسسات مطالعاتی نیز نظریات هنجاری و ارزشی مختلفی درباره این موضوع، ارائه داده‌اند. از مهم‌ترین مطالعات مدونی که درباره فضاهای عمومی انجام شده، مطالعه موسسه «طرح‌های فضای عمومی»^۲ است. بر اساس مطالعه این موسسه بر روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان، چهار عامل اساسی که از اهمیت بیشتری برخوردارند در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضای عمومی شهری، شناسایی شده‌اند. این عوامل که در نمودار (شکل ۱) قابل مشاهده است، تبیین‌کننده ویژگی‌هایی از فضای عمومی است که می‌توانند، تعاملات اجتماعی را افزایش دهند؛ این عوامل عبارتند از:

۱. دسترسی و به هم پیوستگی^۳؛

۲. آسایش و منظر^۴؛

¹ New Urbanism

² Project For Public Space, PPS

³ Access And Linkage

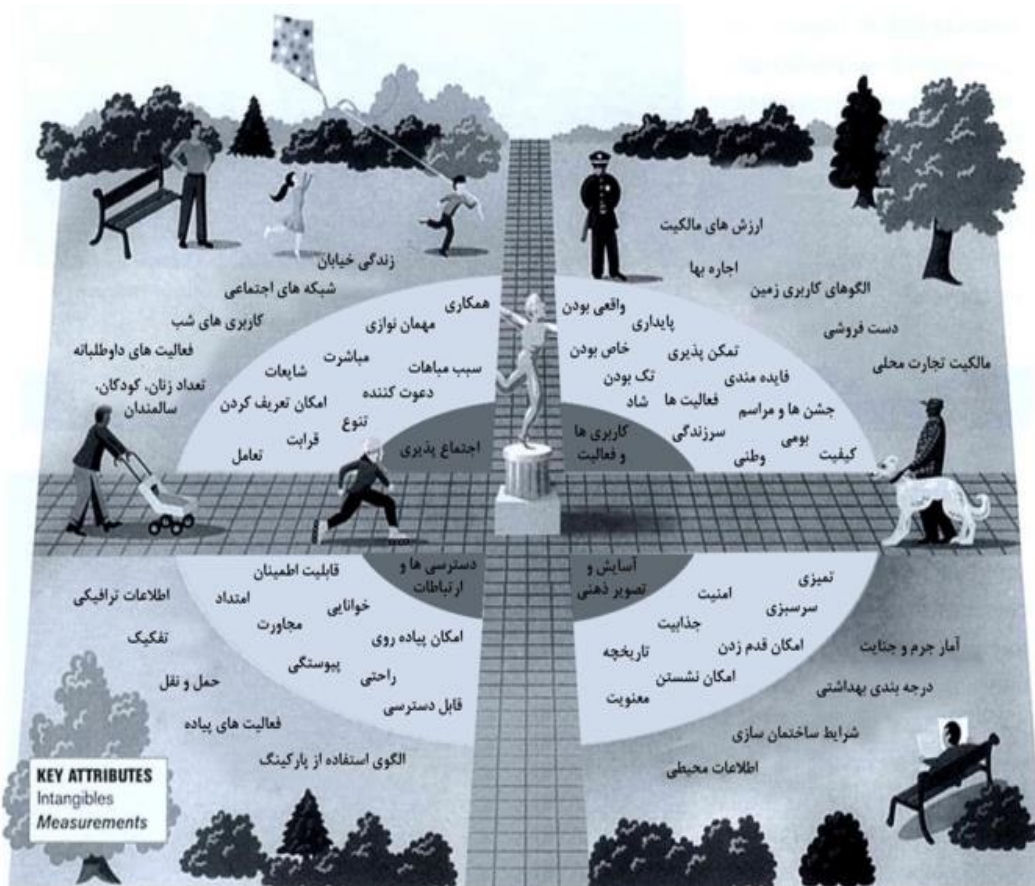
⁴ Comfort And Image



۳. کاربردها و فعالیت‌ها؛

۴. اجتماع‌پذیری^۲

تعاریف فضای عمومی بر دسترسی بدون محدودیت به فضا یا فعالیت‌های متنوع تأکید دارند و آن را عامل شکل‌گیری تعامل اجتماعی می‌دانند. بر این اساس، فضای عمومی، فضایی است که با ویژگی‌های زیر تعریف می‌شود (شکل ۱) (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶، ۳۱ و ۳۵)



شکل ۱: ویژگی‌هایی که یک فضا را به بهترین محیط برای مردم تبدیل می‌کند، (PPS)

- مردم بدون محدودیت، به آن دسترسی دارند؛ یعنی فضاهای عمومی هستند که در نزدیکی خانه‌های مسکونی، یک فضای قابل دسترس برای ارتباط با همسایگان نزدیک فراهم می‌آورند، خواه این ارتباط به صورت گفت‌وگویی دوستانه در داخل میله‌های یک باغ یا جلسات عمومی اجتماعی در پارک‌های محلی باشد؛ برای نمونه پارک‌های کوچک محلی می‌توانند زمینه‌گردهمایی خوب و تعاملات شخصی را فراهم بیاورند. به عبارت بهتر، این فضاها می‌توانند منجر به ارتباطات درون - فرهنگی^۳ و درون - اجتماعی^۴ شوند (Baulkwill, 200, 697).

¹ Uses And Activities

² Sociability

³ Cross-cultural

⁴ Cross-community



- فعالیت‌هایی در آن صورت می‌پذیرد. یکی از مزیت‌های فضاهای عمومی باکیفیت بالا، ایجاد فضایی برای حوادث مهم اجتماعی است. جشنواره‌ها، همایش‌ها، جشن‌های ملی و دیگر وقایع مهم اجتماعی اگر به‌خوبی مدیریت شوند، تأثیر خیلی مثبتی بر روی محیط شهری گذاشته و باعث پیوستگی بیشتر اجتماعی خواهند شد.
- فضایی است که در جهت منافع عموم تأمین و اداره می‌شود؛ این وقایع دارای مزیت‌های مالی، اجتماعی و محیطی نیز می‌باشند، به‌ویژه اینکه آن‌ها می‌توانند، جامعه مدنی را که در بسیاری از مناطق شهری از بین رفته یا اصلاً وجود نداشته، تولید و بازتولید کنند. با تشویق این وقایع و جشنواره‌ها، شهرها علاوه بر مزایای ذکرشده؛ د صاحب فضاهای عمومی خواهند شد، که در ذهن همه ماندگار و از طریق آن، صاحب هویتی یگانه می‌شود.

بنابراین، فضاهای عمومی مشتمل بر فرم‌های مختلفی از فضاهای جمعی^۱ می‌باشند و از نظر فعالیت می‌توانند برای تأمین یک فعالیت ویژه طراحی یا برنامه‌ریزی شوند (Car et al., 1992). وجود فضاهای جمعی، نقش بسیار مهمی در جذب مردم و حضور آن‌ها در شهرها داشته است. این حضور فرصت تعاملات و واکنش‌های اجتماعی را فراهم نموده و باعث به‌جان‌آمده خاطر جمعی مشترک و حس تعلق به فضا می‌گردد. فضای جمعی به‌جز جوانب فیزیکی و کالبدی، نوعی فضای ادراکی و نمادین است که با خصلتی نظام‌مند و ماهیتی مرکب با زمان اجتماعی و فرهنگ جامعه پیوندی ناگسستنی داشته و نسبت فرهنگی و اجتماعی جامعه در ادراک آن، مؤثر و حامل میراث تاریخی و فرهنگی جامعه می‌باشد (لواسانی و یزدانی، ۱۳۸۹، ۴۲)؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که ایجاد و تقویت حیات مدنی، همبستگی جمعی و اعتلای روانی جامعه را می‌توان با تقویت فضاهای جمعی مرتفع ساخت؛ چراکه تعاملات اجتماعی به‌عنوان پایه این روابط جمعی در این فضاها مجسم می‌شود. زمینه این بازتولید می‌تواند در کالبد فضاهای جمعی در محلات تحقق پیدا کند؛ چراکه این فضاها از همین ارزش‌ها و خاطرات در حال فراموشی آکنده‌اند و تقویت این موارد باعث تقویت حیات مدنی فضاهای عمومی شهر در قالب فضای جمعی می‌شود (عاشوری، ۱۳۸۸).

این پژوهش با جمع‌بندی ویژگی‌های مذکور، در مدل (شکل ۲) ادراک روان‌شناختی محیط را که با وجوه کالبدی-فضایی و اجتماعی-رفتاری شکل‌دهنده به فضاهای جمعی، رابطه تنگاتنگی دارد، به تصویر کشیده است. در این مدل، خوانایی فضا و داشتن دسترسی مناسب به فضا، از جمله ویژگی‌های کالبدی است که منجر به مفهوم راحتی از بُعد اجتماعی می‌باشد؛ همچنین وجود فضای کانونی به‌منظور برگزاری رویدادهای خاص، مثل عزاداری عاشورا و تاسوعا، مراسم شب‌های احیا و همانند آن، به حیات هرچه بیشتر فضای جمعی می‌افزاید. خاطرات جمعی به‌عنوان حافظه تاریخی یک مکان که معمولاً با یک عنصر نشانه‌ای شاخص همگام است، می‌تواند بر تداوم حضور مردم در فضاهای جمعی بیفزاید. تعاملات اجتماعی نیز در محیطی روی می‌دهد که پذیرای حضور افراد است؛ درنهایت می‌توان به این نکته اشاره کرد که تمامی موارد مزبور به همراه یکدیگر می‌توانند فضای جمعی را شکل دهد.

از جمله فرصت‌های کالبدی این فضاهای جمعی، می‌توان به فضای مناسب جهت نشستن، مکث و تأمل بیشتر، فضاهای کانونی جهت تجمع افراد، مثل زمین‌بازی و ایستگاه اتوبوس و مانند آن، ورودی‌های دعوت‌کننده و دسترسی به فضا به لحاظ بصری و کالبدی، راه‌ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی، کنترل وسایل نقلیه و امنیت پیاده، ارتباط با سیستم حمل‌ونقل شهری، پیش‌بینی فعالیت‌های جذاب اشاره کرد. این موارد را می‌توان در قالب وجود فضاهای کانونی جهت تجمع، دعوت‌کنندگی، خوانایی فضا (شفافیت کالبدی)، برخورداری از دسترسی مناسب و وجود عناصر شاخص نشانه‌ای خلاصه نمود. احساس راحتی، وجود خاطرات جمعی (حافظه تاریخی)،

¹ Social space



تعاملات اجتماعی و وقوع رویدادهای خاص (مثل عزاداری عاشورا و تاسوعا، مراسم شب‌های احیا و غیره) می‌تواند، از جمله ویژگی‌های اجتماعی یک فضای جمعی باشد.



شکل ۲: مدل اجتماعی- کالبدی فضای جمعی، (نگارنده)

روش تحقیق

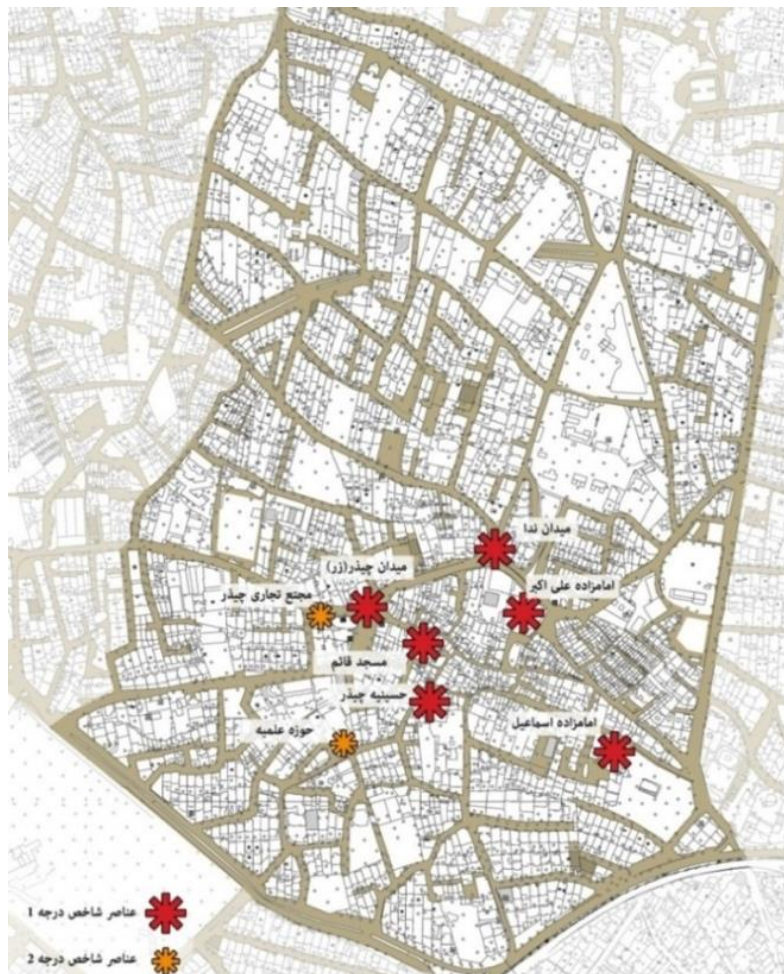
در این مقاله برای شناسایی ویژگی‌های اصلی و مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای جمعی از روش کیفی استفاده شده است. به‌منظور شناخت مؤلفه‌های دخیل در شکل‌گیری فضای جمعی، تعاریف مفهوم فضای عمومی و فضای جمعی از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف استخراج شد؛ سپس بر اساس نتایج حاصل که در قالب شاخص‌های اختصاصی برای فضای جمعی، نمود یافته، مدل ویژه سنجش ابعاد اجتماعی و کالبدی فضای جمعی ارائه شده است. رویه‌های گردآوری اطلاعات در این تحقیق شامل مشاهده و پرسش‌نامه است. در پرسش‌نامه، علاوه بر طرح سؤال‌ها، از رویه نقشه‌های شناختی نیز، بهره‌گیری شده است. در بخش نقشه‌های شناختی، برای تحلیل تصویر ذهنی فرد از محله و فضاهای اصلی و جمعی آن از مخاطبان خواسته شد تا محله خود را ترسیم کنند. در ادامه نتایج حاصل از پاسخ به پرسش‌ها به همراه نتایج مشاهدات میدانی تحلیل و بررسی شد. در مدل شکل چهار روند انجام این پژوهش نشان داده شده است. در مرحله ارزیابی نتایج حاصل از مشاهدات و پرسش‌نامه، روش‌های ارزیابی چندمعیاری به‌عنوان روش تحلیل برگزیده شد. از میان روش‌های ارزیابی چند معیاری متعدد که در دهه‌های اخیر در زمینه‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته‌اند، روش ارزیابی چندمعیاری، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی به‌عنوان روش تحلیل داده‌ها انتخاب گردید. در این روش بعد از تعیین اهداف کلی و مقاصد برنامه‌ریزی و تعیین گزینه‌های مختلف، با مقایسه گزینه‌های مختلف، بر اساس شایستگی نسبی آن‌ها گزینه یا آلترناتیو مطلوب انتخاب می‌شود. از آنجاکه شایستگی نسبی هر یک از گزینه‌ها، توسط معیارها سنجیده می‌شود، در چنین شرایطی که معیارهای گوناگون هم‌سو نیستند، تصمیم‌گیری باید در یک فضای چندبعدی صورت پذیرد؛ با توجه به اینکه در این روش‌ها فرض بر این است که هر یک از معیارها محور یا بُعد جداگانه‌ای هستند، می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند (زبردست، ۱۳۸۰، ۱۴). در اینجا معیارهای تحلیل از مدل پیشنهادی استخراج گردید و با توجه به پاسخی که مخاطبان به پرسش‌های پرسش‌نامه دادند، در مرحله بعدی، یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه با مدل پیشنهادی این پژوهش



که شامل معیارهای انتخاب فضاهای جمعی است، تطبیق داده شد و در نهایت زیرمعیارهای هر کدام، استخراج و در جدولی ارائه گردید. بعد از تعیین زیر معیارهای متناسب با معیارها، معیار ماباه‌آء آن شناسایی و با توجه به این معیارها و زیرمعیارها، با بهره‌گیری از روش تحلیل سلسله مراتبی، گزینه‌ای که بیشترین امتیاز را به‌عنوان فضای جمعی آورده، شناسایی شد.

نمونه مطالعاتی

در بررسی فضاهای جمعی، فضاهایی با ویژگی‌های یادشده در محله چیدرز، شناسایی شد که در نقشه (شکل ۳)، ارائه شده است. مکان‌های مشخص شده در شکل سه، با استفاده از ابزار مشاهده و تطبیق آن با مدل پیشنهادی به‌عنوان فضاهای جمعی احتمالی محله، شناسایی شد که همگی در قسمت جنوبی محله استقرار دارند و عبارتند از میدان ندا، میدان زر، امامزاده علی اکبر، امامزاده اسماعیل، حوزه علمیه، مرکز تجاری چیدرز و مسجد قائم که این قسمت، هسته اولیه شکل‌گیری محله چیدرز را در دل خود جای داده است. به‌منظور تأیید و تصدیق مکان‌یابی درست فضاهای جمعی در نقشه تهیه شده با ابزار مشاهده پژوهشگر، پرسش‌نامه‌ای در دو بخش سؤالات و نقشه‌های شناختی تهیه و پاسخ‌های آن مورد واکاوی، قرار گرفت. گروه سنی ۱۸ تا ۷۷ سال از گروه‌های جنسی متفاوت، جامعه آماری این پرسش‌نامه را تشکیل می‌دهند. ملاک پرسش‌نامه‌ها بر افرادی بوده که در بازه‌ی زمانی ۳۰ دقیقه و بیشتر در فضای جمعی توقف می‌نمودند.



شکل ۳: نقشه فضایی - جانمایی فضاهای جمعی محله چیدرز، (مهاجر میلانی و دیگران، ۱۳۹۳)



به‌منظور حصول اطمینان از جایابی درست این فضاها از بخشی از اهالی خواسته شد تا محله خود را ترسیم کنند. این پرسش برای به دست آوردن نقشه‌های شناختی محله طرح شد. در جواب به آن مردم عموماً فضای امامزاده علی‌اکبر، میدان ندا و شریان‌های متصل به آن را ترسیم‌کننده و فرضیه جانمایی فضاهای جمعی تایید شد. در بررسی تصویر ذهنی ساکنین از محله نیز، از ابزار نقشه‌های شناختی بهره گرفته شد و بعد از بازخوانی تصاویر ترسیم‌شده توسط ساکنین، نکات زیر حاصل گردید:

- برجسته بودن امامزاده علی‌اکبر و میدان ندا، بیش از سایر مکان‌های محله؛
- تعریف محله با استفاده از دسترسی‌های منتهی به امامزاده علی‌اکبر؛
- برجسته بودن فضای روبروی امامزاده علی‌اکبر.

با توجه به این موضوع که در گذشته در هر یک از محله‌های بزرگ و متوسط، یک مرکز محله وجود داشت و این مراکز که به‌عنوان فضای جمعی و عرصه‌های عمومی محلات کار می‌کردند، از نظر کالبدی و شکلی به دو صورت، گذرهای عریض‌تر و میدانچه وجود داشتند (سلطانزاده، ۱۳۸۵، ۸۸-۸۹). در اینجا خیابان‌ها و میدانچه‌ها که عرصه‌های بازتری را به خود اختصاص می‌دهند، به‌عنوان فضاهای جمعی، هم‌عرض موردبررسی قرار می‌گیرند.

یافته‌های تحقیق

نقاطی که به‌عنوان فضاهای جمعی محله، با بهره‌گیری از پرسش‌نامه توسط ساکنان به‌دست‌آمده در ستون اول و مشاهدات میدانی پژوهشگران در قالب نقشه‌های فضایی در ستون دوم تدقیق شده است و از نظر کاربری غالب، تردد و جمعیت موردبررسی قرار گرفتند؛ و درنهایت در ستون سوم جمع‌بندی گردید. در این ستون گزینه‌های نهایی منتخب با در نظر گرفتن آراء مردم و مشاهدات پژوهشگران در قالب جدول یک جمع‌آوری گردیده است. درنهایت فضای اطراف امامزاده علی‌اکبر، میدان چمن که در همان حوالی واقع شده است، مسجد قائم که در قدیمی‌ترین قسمت محله و هسته ابتدایی شکل‌گیری محله قرار دارد، به همراه میدان زر و میدان ندا (میدان اصلی محله چیدر) به‌عنوان اصلی‌ترین فضاهای جمعی این محله انتخاب گردیدند (جدول ۲ و ۱).

جدول ۱: شناسایی گزینه‌های فضای جمعی محله چیدر، (نگارنده)

| گزینه‌های حاصل از نقشه‌های شناختی | گزینه‌های حاصل از نقشه‌های فضایی | گزینه‌های نهایی |
|-----------------------------------|----------------------------------|-------------------|
| امامزاده علی‌اکبر | امامزاده علی‌اکبر | امامزاده علی‌اکبر |
| میدان ندا | میدان ندا | میدان ندا |
| میدان زر | میدان زر | میدان زر |
| مسجد قائم | مسجد قائم | مسجد قائم |
| میدان چمن | امامزاده اسماعیل | میدان چمن |
| خیابان کامرانیه | حسینیه چیدر | خیابان کامرانیه |
| خیابان بهمن پور | میدان چمن | خیابان بهمن پور |
| بلوار هاشمی علیا | مجتمع تجاری چیدر | بلوار هاشمی علیا |



در مرحله بعدی، یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه با مدل پیشنهادی این پژوهش که شامل معیارهای انتخاب فضاهای جمعی است، تطبیق داده شد و در نهایت زیرمعیارهای هر معیار استخراج گردید که در جدول (۲) ارائه می‌گردد.

جدول ۲: داده‌های تطبیقی از یافته‌های پژوهش و مدل پیشنهادی برای ویژگی‌های فضاهای جمعی^۱ (نگارنده)

| پرسش | علت ذکر شده | زیر معیار | معیار |
|---|--|------------------------------------|---------------------------------|
| مکان‌های پرتردد و شلوغ‌ترین فضاهای محله و علت شلوغی آن‌ها چیست؟ | میدان امامزاده علی‌اکبر شلوغ-ترین و پرترددترین مکان محله | وجود تراکم جمعیت روزانه | اجتماع‌پذیری |
| | وجود مزار شهدا، مغازه‌های اطراف و مرکزیت مکانی | وجود خاطره جمعی | وجود عنصر نشانه‌ای |
| | | دسترسی به خدمات | دسترسی |
| | | مرکزیت | امکان وقوع فعالیت‌ها و رویدادها |
| فضاهای جمعی محله کجا هستند؟ | به پرترددترین خیابان‌های محله و میدانی اصلی | وجود تراکم جمعیت روزانه | اجتماع‌پذیری |
| | | دسترسی به خدمات | دسترسی |
| | | وجود تراکم جمعیت روزانه | اجتماع‌پذیری |
| | فضای امامزاده علی‌اکبر و میدان هم‌جوار آن | ایجاد فرصت و امکان تعاملات اجتماعی | اجتماع‌پذیری |
| معمولاً چند بار در هفته و کجا جمع می‌شوید؟ | | دسترسی به خدمات موردنیاز | دسترسی |
| | | داشتن فضای باز | امکان وقوع فعالیت‌ها و رویدادها |
| | | مرکزیت | رویدادها |
| تصویر ذهنی ساکنین از مرکز محله؟ | میدان جلوی امامزاده و بافاصله کمی از آن میدان ندا، مرکز محله موردقبول مردم ساکن است. | مرکزیت | امکان وقوع فعالیت‌ها و رویدادها |
| | امامزاده از قدیمی‌ترین فضاهای محله است و حتی بدون مرادده با همسایگان، باکسانی که هر روز به امامزاده می‌آیند گروه‌های اجتماعی تشکیل داده‌اند. | وجود خاطره جمعی | وجود عنصر نشانه‌ای |
| علت توقف و مدت توقف در فضای امامزاده چیست؟ | | ایجاد فرصت و امکان تعاملات اجتماعی | اجتماع‌پذیری |
| | | امنیت و آرامش | آسایش فضایی |
| | به خوانایی و مرکزیت در محله، حضور امامزاده و مزار شهدا اشاره شد. | مرکزیت | امکان وقوع فعالیت‌ها و رویدادها |
| | | خوانایی و جذابیت | آسایش فضایی |
| | | دسترسی | دسترسی |

در ادامه با رجوع به مدل پیشنهادی برای ویژگی‌های فضای جمعی که خود حاصل بررسی دقیق پیشینه موضوع از دیدگاه افراد متخصص این زمینه است، معیارهای شناخت فضاهای جمعی شناسایی و استخراج گردید و سپس مطابق مراحل طی شده در بالا زیرمعیار هریک در جدول سه، جمع‌بندی گردید. همان‌طور که در قسمت روش تحقیق بیان شد، به‌منظور از میان ارزیابی چند معیاری حاصل از جداول بالا، روش ارزیابی چند معیاری فرایند تحلیل

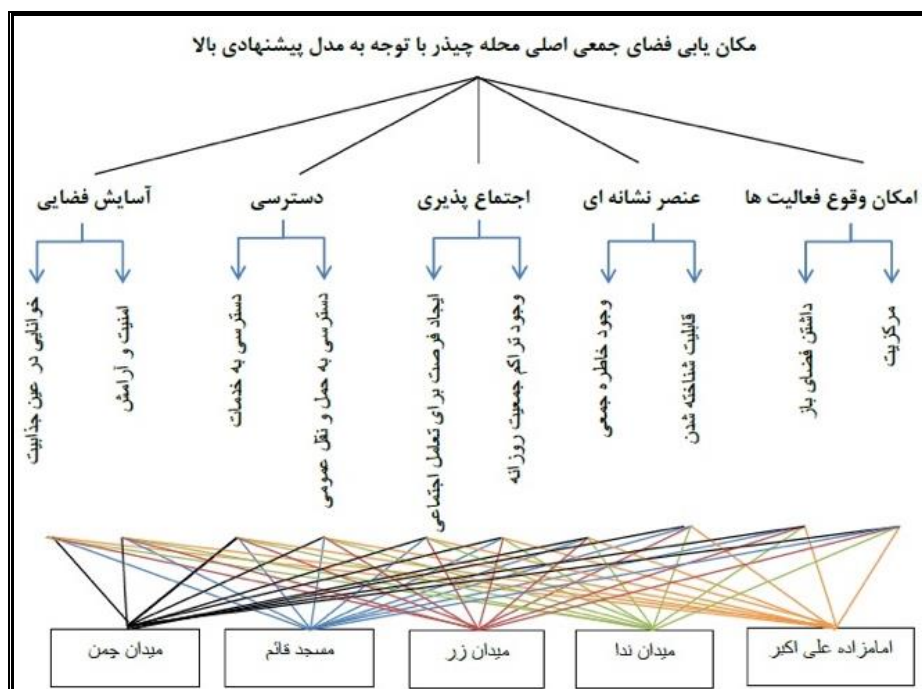
^۱ مستخرج از نظرات مردم



سلسله‌مراتبی موسوم به AHP^۱ به‌عنوان روش تحلیل داده‌ها انتخاب گردید و با بهره‌گیری از این روش در پردازش داده‌ها، معیارها و زیر معیارهای حاصل از جدول فوق جهت تحلیل گزینه‌های نهایی ارائه، در قالب جدول سه بررسی و نمودار مکان‌یابی‌ای برای تحلیل رابطه موارد بالا در قالب (شکل ۴) ارائه شد. همچنین راجع به بقیه معیارها، سؤالاتی پرسیده شد که در نهایت با محاسبات انجام‌شده به روش AHP نتایج زیر حاصل گردید. نمودارهای زیر میان معیارها، بااهمیت‌ترین و در میان گزینه‌ها، گزینه منتخب را با ذکر درصد بیان می‌کند (جدول ۴ و شکل ۳).

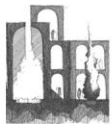
جدول ۳: شناسایی معیارها و زیرمعیارهای شناسایی فضاهای جمعی در محلات، (نگارنده)

| معیارها | زیرمعیارها |
|---------------------------------|---|
| امکان وقوع فعالیت‌ها و رویدادها | داشتن فضای باز |
| | مرکزیت |
| وجود عنصر نشانه‌ای | وجود یک خاطره جمعی |
| | قابلیت‌های بهتر فضا برای شناخته شدن |
| اجتماع‌پذیری | ایجاد فرصت و امکان وجود تعاملات اجتماعی |
| | تراکم جمعیتی |
| دسترسی | دسترسی فیزیکی به حمل‌ونقل عمومی |
| | دسترسی به خدمات موردنیاز محل |
| آسایش فضایی | امنیت و آرامش فضایی |
| | خوانایی و جذابیت |

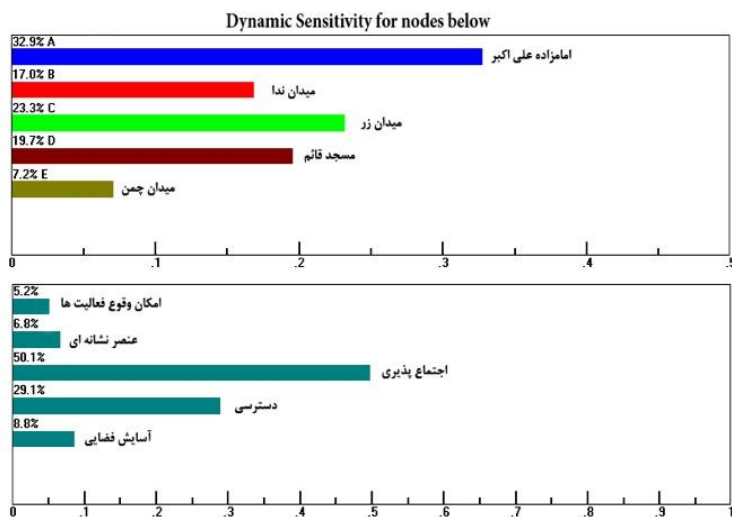


شکل ۴: نمودار فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، (نگارنده)

^۱ Analytical Hierarchy Process (AHP)

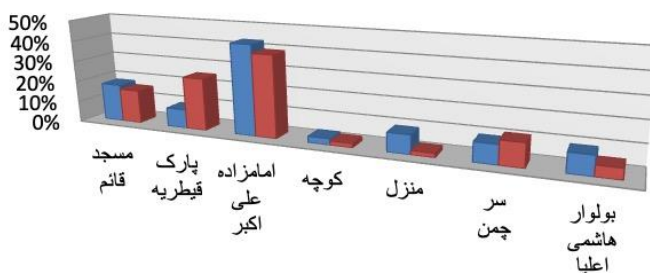


نتایج تحلیلی، نشان می‌دهد، معیارهای ذکر شده بیشترین تطابق را با امامزاده علی اکبر و فضاهای اطراف آن که اصلی‌ترین فضای جمعی محله است، داشته و به‌عنوان مکان اصلی تردد و برخوردها و تعاملات اجتماعی شناخته می‌شود؛ از طرفی در (شکل ۶)، این موضوع به تفکیک سنی مشخص شده است (شکل ۴).



شکل ۵: نمودار حساسیت پویا در گره‌ها (معیارها و گزینه‌ها) و نشان‌دهنده اهمیت، (نگارنده)

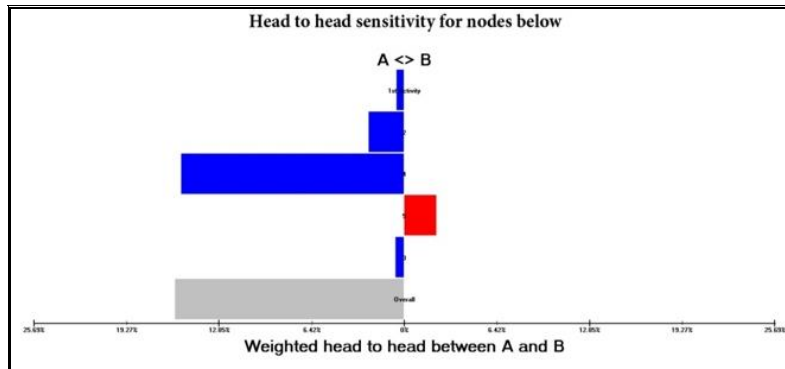
همان‌طور که مشخص است، امامزاده علی اکبر و فضای مجاورش به‌عنوان پرترددترین، شلوغ‌ترین، مرکزی‌ترین، اجتماع‌پذیرترین، مهم‌ترین و اصلی‌ترین فضای محله شناسایی شده است که فارغ از سن مخاطب موردپذیرش همگان است (شکل ۱۰ الی ۷)، گزینه منتخب با سایر گزینه‌ها به‌صورت دوه‌دو در معیارهای پنج‌گانه با یکدیگر مقایسه می‌شوند و نتایج به‌صورت درصد بیان شده است (شکل ۵).



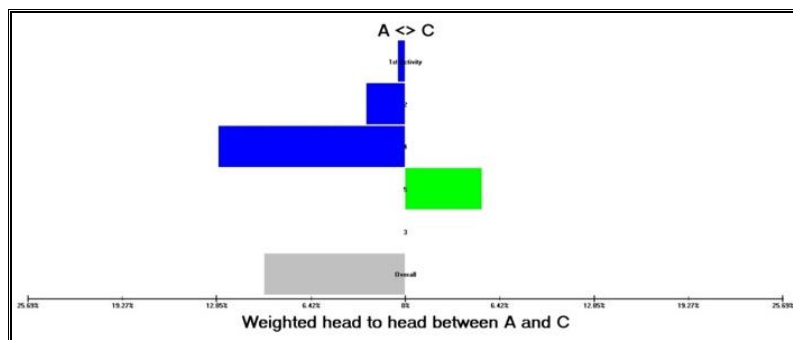
| | مسجد قائم | پارک قیطریه | امامزاده علی اکبر | کوچه | منزل | سر چمن | بولوار هاشمی اعلیا |
|---------------------|-----------|-------------|-------------------|------|------|--------|--------------------|
| مکان تجمع اهالی محل | 18% | 9% | 43% | 3% | 9% | 9% | 9% |
| پاتوق جوانان محل | 16% | 25% | 39% | 2% | 2% | 11% | 5% |

شکل ۶: درصد مکان‌های تجمعی به تفکیک سن، (نگارنده)

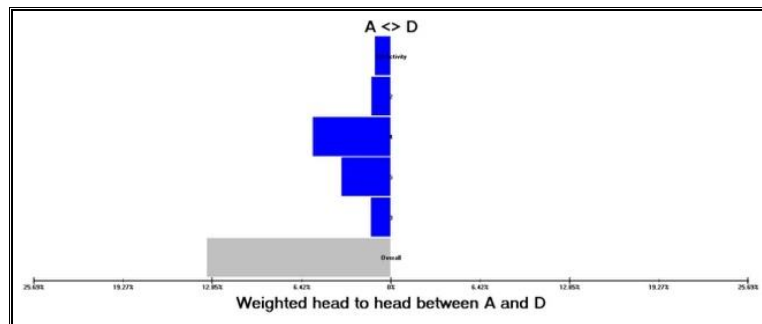
با توجه به نتایج میدان امامزاده به‌عنوان مرکز محله و فضای جمعی اصلی محله معرفی شده است. وجود پتانسیل‌های بالقوه، مثل مرکزیت، دسترسی سواره و پیاده مناسب در همه‌جای محله، دسترسی به خدمات موردنیاز ساکنین، مثل مغازه‌های تجاری، درمانگاه، تعمیرگاه و غیره، عامل تقویت حضور مردم در فضا و به‌این‌ترتیب، تقویت تعاملات و روابط اجتماعی در محل گشته است.



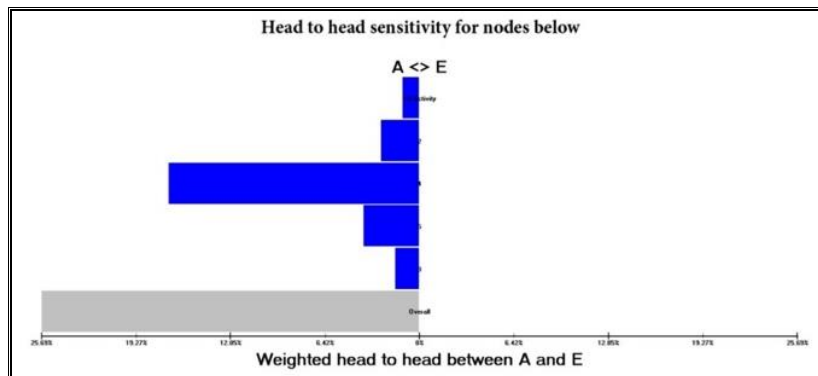
شکل ۷: سنجش فضای امامزاده علی اکبر (A) با میدان ندا (B)، (نگارنده)



شکل ۸: سنجش فضای امامزاده علی اکبر (A) با میدان زر (C)، (نگارنده)



شکل ۹: سنجش فضای امامزاده علی اکبر (A) با مسجد قائم (D)، (نگارنده)



شکل ۱۰: سنجش فضای امامزاده علی اکبر (A) با میدان چمن (E)، (نگارنده)



از طرف دیگر، وجود عناصر کالبدی، همچون لبه امامزاده که این امکان را برای افراد ایجاد می‌کند تا برای مدت طولانی در آن محل استقرار یابند؛ همچنین گشودگی فضایی و تقدس امامزاده در کنار وجود مزار شهدای شمیران که امکان برگزاری جشن‌ها و مراسم مذهبی را در خود فراهم کرده است؛ از جمله علل اجتماع‌پذیری بالای این فضا است (شکل ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰).

بحث و نتیجه‌گیری

نمونه موردی مورد بررسی، یعنی محله چیدر، دارای پیشینه روستایی- مذهبی است و بافت اجتماعی آن، این ویژگی را در طول زمان حفظ کرده است. وجود زیارتگاه‌های مذهبی و مزار شهدا باعث تقویت و تداوم این ویژگی شده است. این کنش دوسویه مهم‌ترین عامل در تقویت فضاهای هم‌جوار این اماکن در جهت تبدیل شدن آن به مکان‌های اجتماعی اصلی‌ترین فضای جمعی محله بوده است؛ بنابراین، هم‌خوانی کاربری‌های اطراف فضاهای جمعی با بافت مکانی که این فضا در آن قرار دارد به تقویت روابط و تعاملات اجتماعی می‌افزاید؛ همچنین، واقع شدن امامزاده علی‌اکبر در گره ارتباطی و به‌نوعی در مرکزیت محله چیدر، به اهمیت و تکرر دفعات مراجعه منجر می‌شود و اشاره به اهمیت عامل دسترسی در کیفیت شکل‌گیری فضای جمعی دارد. وجود فضای باز جلوی امامزاده و امکان برگزاری مراسم عاشورا و تاسوعا و نیز مراسم مذهبی دیگر، داشتن فضای کانونی و امکان برگزاری مراسم و فعالیت‌های جمعی را، تحقق می‌بخشد. تعلق خاطر اهالی به فضای زیارتی و معنوی امامزاده و وجود گلزار شهدای شمیرانات، حیات اجتماعی محل را تضمین می‌کند؛ در نتیجه می‌توان گفت، عناصر شاخص با ایجاد خاطره جمعی، موجب ارتقاء کیفیت فضاهای جمعی می‌شوند؛ با توجه به مطالب بالا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که عوامل ذکر شده، به‌عنوان مؤلفه‌های سازنده فضاهای جمعی در محلاتی با پیشینه روستایی، عبارتند از:

- فضای باز و مرکزیت مکانی برای ایجاد بستر وقوع فعالیت‌ها و رویدادها؛
- عنصری نشانه‌ای برای تقویت خاطره جمعی؛
- فضایی با جمعیت‌پذیری مناسب در دوره‌های زمانی تعریف شده، برای ایجاد فرصت تعاملات اجتماعی؛
- دسترسی فیزیکی به حمل‌ونقل عمومی و خدمات در مقیاس محلی؛
- تأمین امنیت و آسایش در مقیاس‌های مختلف فضاهای عمومی محله.

امروزه محلات مختلفی، همانند چیدر می‌توان یافت که پیشینه‌ای روستایی دارند و در حال دگرگونی‌اند. این دگرگونی، اگر در جهت تقویت حضور افراد در فضا صورت گیرد، می‌تواند کیفیت زندگی اجتماعی افراد را در سطح محلات ارتقا بخشد. همان‌طور که گفته شد، حیات اجتماعی، عنصری از عناصر فضاهای جمعی است که حضور مردم و سهیم بودن آن‌ها در فضا، روح جاری در حیات فضاهای را می‌سازد؛ اگرچه ساختارهای کالبدی شهرها در جریان توسعه دچار گسست‌های اجتماعی- فضایی شده‌اند؛ ولی ارزش‌ها، تصورات و خاطرات جمعی اگر زمینه بازتولید پیدا کنند نقش مهمی در ایجاد و تقویت حیات مدنی، همبستگی جمعی و اعتلای روانی جامعه خواهند داشت.

منابع و مأخذ

- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۵). شهرسازی شهروندگرا: ارتقاء عرصه‌های همگانی و محیط‌های شهری. (ترجمه محمد احمدی‌نژاد). اصفهان: نشر خاک.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۸). جامعه مدنی و حیات شهری، نشریه هنرهای زیبا، (۷)، ۳۱-۲۱.
- حناچی، پیروز؛ و رضایی، نعیمه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی سکونت در محلات؛ نمونه موردی: محله عودلاجان در تهران، نشریه هنرهای زیبا، ۲۰ (۱۰)، ۴۰-۳۱. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2015.56369>
- رفعیان، مجتبی؛ و سیفایی، مهسا. (۱۳۸۴). فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی. هنرهای زیبا. (۲۳)، ۴۲-۳۵.
- رهنمایی، محمدتقی؛ و اشرفی، یوسف. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. انجمن جغرافیایی ایران، ۵ (۱۵)، ۴۵-۲۳.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۰). کاربرد فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. هنرهای زیبا، (۱۰)، ۱۳-۲۱.
- سلطانزاده، حسین. (۱۳۸۵). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، جلد ۴، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عاشوری، علی. (۱۳۸۹). بررسی نقش پیاده راه در حیات شهر، ماهنامه منظر، (۸)، ۴۷ - ۴۴.
- عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۹). فضاهای عمومی شهر، مجله تخصصی محیط، منظر، شهر، معماری، (۷)، ۱۸-۱۹.
- لواسانی، مونا؛ و یزدانی، مانده. (۱۳۸۹). فضای جمعی، ظرف تحقق حیات مدنی، مجله تخصصی هنر، محیط، منظر، شهر، معماری، (۷)، ۴۶-۴۲.
- مهاجرمیلانی، آزاده؛ و حسین‌نژاد، حورا. (۱۳۹۳). سیر تحول محلات شمیران، تهران: نشر اندیشه عصر.
- Aelbrecht, P., Stevens, Q., & Kumar, S. (2021). European public space projects with social cohesion in mind: Symbolic, programmatic and minimalist approaches. *European Planning Studies*, 1–31. <https://doi.org/10.1080/09654313.2021.1959902>
- Baulkwill, Alexandra (2002), "Lots of conviviality", *The Garden*, 127 (9), 693-697.
- Brown, S. C., & Lombard, J. L. (2014). Neighborhoods and social interaction. In R. Cooper, E. Burton, & C. L. Cooper (Eds.), *Wellbeing and the environment: Wellbeing: A complete reference guide*. 1–29. <http://dx.doi.org/10.1002/9781118539415.wbwell05>
- Cattell, V., Dines, N., Gesler, W., & Curtis, S. (2008). Mingling, observing, and lingering: Everyday public spaces and their implications for well-being and social relations. *Health and Place*, 14(3), 544–561. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2007.10.007>
- Car, Stephen, Mark Francis, Leanne Rivilin, and Andrew Stone (1992), *Public Space*, Cambridge University Press: Massachusetts.
- Carmona, Matthew, Tim Heath, Taner Oc, and Steve Tiesdell (2003), *Public Spaces, Urban Spaces*. Architectural Press: Oxford. <https://doi.org/10.4324/9780080515427>
- Hiebert, Ray E (2005), Commentary: new technologies, public relations and democracy, *Public Relations Review* (31): 1-9. <http://dx.doi.org/10.1016/j.pubrev.2004.11.001>
- Kim, J., & Kaplan, R. (2004), Physical and psychological factors in sense of community: New urbanist Kentlands and nearby orchard village, *Environment and Behavior*, 36(3), 313–340. <http://dx.doi.org/10.1177/0013916503260236>
- Lofland, L. H. (1998). *The public realm: Exploring the city's quintessential social territory*. Aldine de Gruyter.
- Lynch, Kevin (1972), *The openness of open space*, Arts of environment, George Braziller: New York.
- Madanipour, Ali (1992), "Design of urban space: an inquiry into a socio-spatial process". Wiley: west Sussex.
- Mateo-Babiano, I. B. (2012). Public life in Bangkok's urban spaces. *Habitat International*, 36(4), 452–461.
- PPS, Project for Public Spaces, n.d., What Makes a Successful Place? Accessed Aug 1, 2015. <http://www.pps.org/reference/grplacefeat>.
- Qi, J., Mazumdar, S. & Vasconcelos, A.C. (2024), Understanding the Relationship between Urban Public Space and Social Cohesion: A Systematic Review. *International Journal of Community well-being*. <https://doi.org/10.1007/s42413-024-00204-5>
- UN-Habitat (2018), *SDG Indicator 11.7.1 Training Module: Public Space*, United Nations Human Settlement Program me (UN-Habitat), Nairobi.